

نگاهی به چاپخانه‌های ایرانی در آلمان در دوره قاجار و پهلوی

(مطالعه موردی: منابع موجود در کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی)

طیبه حاج باقریان

| ۱۵۷-۱۸۴ |

چکیده: تاریخ پیدایش نخستین کتاب چاپی فارسی چندان ارتباطی با ورود صنعت چاپ و نشر در ایران ندارد. چاپ کتاب‌های فارسی در کشورهای اروپایی و پیشتازی آن نسبت به ایران پیشینه‌ای طولانی دارد. این مقاله به کتاب‌ها و مجلات فارسی چاپ شده در کشور آلمان و به ویژه دو چاپخانه «کاوایی» و «ایران‌شهر» که بروز و نمود بیشتری داشته‌اند، پرداخته است. این چاپخانه‌ها به همت گروهی از جوانان ایرانی تأسیس و راه‌اندازی شده است، که رواج افکار جدید و تلاش برای ترویج توسعه براساس معیارهای جهان متجدد را یکی از اهداف خود برشمردند. حفظ متون نفیس و اصیل ایرانی و احیای آنها از گزند فراموشی و نابودی را می‌توان یکی از دستاوردهای آنها دانست. بررسی منابع چاپخانه‌های موجود در آلمان به ویژه (کاوایی و ایران‌شهر) بیانگر آن است که از لحاظ تجهیزات و امکانات جز برترین چاپخانه‌ها بوده‌اند و از بهترین شکل حروفات و مکملترین سیستم ماشین‌آلاتی موجود در چاپخانه‌های فرنگی، استفاده می‌کرده‌اند. حروف‌شان را از معروفترین کارخانه‌های حروف‌ریزی آلمان تهیه می‌کردند. استفاده از کاغذهای مرغوب همچنین کاربرد رنگ در مینیاتور و عکس از دیگر ویژگی‌های آنهاست. در پایان این نوشتار، جهت دسترس‌پذیری به کتاب‌های چاپ آلمان در کتابخانه‌های امروزی به صورت موردی به موجودی کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی (قم) پرداخته شد و سیاهه‌ای از منابع موجود در این کتابخانه ارائه گردیده است. کلیدواژه‌ها: کتاب‌های چاپی فارسی، برلین (آلمان)، چاپخانه کاوایی، چاپخانه ایران‌شهر، کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی.

A Look at Iranian Printing Houses in Germany During the Qajar and Pahlavi Eras
(A Case Study of the Available Resources in Ayatollah Boroujerdi Library)
Tayebeh Hajbagherian

Abstract: The history of the first printed Persian book does not significantly relate to the introduction of the printing and publishing industry in Iran. The printing of Persian books in European countries and its precedence over Iran has a long history. This article focuses on Persian books and magazines printed in Germany, especially at two prominent printing houses: "Kaviani" and "Iranshahr." These printing houses were established and operated by a group of young Iranians with the goal of spreading new ideas and promoting development based on modern world standards. One of their achievements was the preservation and revival of valuable and authentic Iranian texts, protecting them from oblivion and destruction. A review of the resources from these printing houses, particularly Kaviani and Iranshahr, indicates that they were among the top printing houses in terms of equipment and facilities, utilizing the best typefaces and the most advanced machinery available in European printing houses. Their typefaces were sourced from renowned type foundries in Germany. The use of high-quality paper and the application of color in miniatures and photographs were other notable features. At the end of this writing, to facilitate access to German-printed books in contemporary libraries, the resources available in Ayatollah Boroujerdi Library (Qom) are examined, and an inventory of available resources in this library is provided.

Keywords: Persian printed books, Berlin (Germany), Kaviani Printing House, Iranshahr Printing House, Ayatollah Boroujerdi Library.

۱۵۷

آینه پژوهش | ۲۰۲۰
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

همان‌طور که در منابع و آثار مربوط به تاریخ چاپ درج شده است، اولین چاپخانه در ایران توسط آرامنه در جلفای اصفهان راه‌اندازی شد و اولین کتابی که به چاپ رسانید «زبور داود» به زبان ارمنی در سال ۱۶۳۸م (۱۰۱۶ش) بود. ورود چاپخانه به اصفهان سبب جلب توجه و نظر شاهان صفوی و رجال و درباریان به این دستگاه شد و درصدد ورود و توسعه دستگاه چاپ به ایران برآمدند. شاردن جهانگرد فرانسوی در سیاحت‌نامه خود در این باره می‌نویسد: «ایرانیان اشتیاق وافری دارند که صنایع چاپ در کشورشان پدید آید و به فواید و ضرورت آن کاملاً پی برده‌اند، تعهداً کسی پیدا نمی‌شود که چاپخانه به وجود آورد. برادر وزیر دربار که یک شخص بسیار عالم و مقرب حضور شاهنشاه است، در سال ۱۰۸۷ق. می‌خواست با من قرارومداری بگذارد تا کارگرانی به ایران آیند و این فن ظریف را به ایشان بیاموزند. وی کتاب‌های فارسی و عربی چاپی را که برایش برده بودم، به نظر اعلی حضرت همایونی رسانید، با این پیشنهاد موافقت حاصل شد، ولی وقتی که مسئله پرداخت پول آن به میان آمد، هر چه رشته شده بود پنبه گشت» (شاردن، ج ۴، ص ۶۴). همان‌گونه که مشهود است این اتفاق در دوره صفوی رخ نداد و ورود و گسترش صنعت چاپ در ایران به عصر قاجار برمی‌گردد. از کسی که در جایگاه بنیان‌گذار و پیشگاه این صنعت در ایران نام می‌برند، میرزا زین‌العابدین تبریزی است که وی در دوره قاجار و حکومت عباس میرزا برای فراگیری فن چاپ به پترزبورگ (روسیه) رفت، این فن را فراگرفت، به تبریز بازگشت و چاپخانه و چاپ کتاب را راه‌اندازی کرد. رساله جهادیه را اولین کتاب چاپی این چاپخانه در تبریز به سال ۱۲۳۳ق. می‌دانند.

باید توجه داشت تاریخ پیدایش نخستین کتاب چاپی فارسی چندان ارتباطی با ورود صنعت چاپ و نشر در ایران ندارد. آنچه مدارک و منابع برجای مانده از گذشته نشان می‌دهد، نخستین کتاب‌های فارسی در کشورهای اروپایی و بیشتر در راستای تبلیغ مسیحیت انجام گرفته است. پس از آن در موضوعات مختلف نیز دیگر کشورها در چاپ و نشر کتاب‌های فارسی در برابر ایران پیشتاز بودند. کتاب‌های فارسی چاپ شده در مطبعه بریل لیدن (هلند) از جمله کهن‌ترین آثار چاپ شده فارسی به شمار می‌روند که مربوط به سال ۱۸۸۹م. و بعد از آن می‌شوند و اغلب در زمینه تاریخ، شعر و ادبیات بوده است (بنگرید به: آراسته و صادقی حصار، ۱۳۹۲). به عبارتی چاپ کتاب‌های

فارسی در دیگر کشورها و پیشتازی آن در برابر ایران پیشینه‌ای طولانی دارد^۱ و در آثار متعدد تاریخی به تفصیل یا اختصار به آن پرداخته‌اند. توجه این مقاله به کتاب‌ها و مجلات فارسی چاپ شده در کشور آلمان و دو انتشارات «کاوایانی» و «ایران‌شهر» است که بروز و نمود بیشتری داشته‌اند. در ادامه برای بررسی این منابع در کتابخانه‌های امروزی به صورت موردی به موجودی کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی پرداخته شده است و سیاهه‌ای از کتاب‌های چاپ شده در آلمان و موجود در این کتابخانه ارائه گردیده است.

چاپ منابع فارسی در آلمان

آلمانی‌ها در معرفی ادبیات فارسی کارهای مهمی انجام داده‌اند. این رشته را آدام اولناریوس (۱۶۰۰-۱۶۷۱ م.) با ترجمه گلستان سعدی آغاز کرد و نخستین نشانه‌های شناخت آلمانی‌ها از ایران را با سفرنامه مبسوط خود فراهم کرد. همچنین از «دیوان شرقی» گوته می‌توان نام برد که معرف حافظ شیرازی و تأثیر اشعار او بر گوته است. یوزف فرای هامر پورگشتال (۱۸۵۶-۱۷۷۴ م.) نخستین اثر کلی درباره گنجینه ادبی ملت ایران را در اختیار آلمانی‌ها قرار داد^۲ و همچنین با ترجمه دیوان حافظ^۳ ترجمه‌هایی از آثار ادبی ایران به آلمانی آغاز شد. از محققان نام‌آور آلمانی که درباره ایران تحقیقات کرده و سفرنامه‌هایی نوشته‌اند، می‌توان از افرادی چون پولاک، آرمینیوس وامبری، ارنست هرتسفلد، اسکارمان، و والتر هینتس - متخصص عصر صفوی - نام برد (مرادی، ۱۳۹۴، ص ۷۲۰-۷۲۴). به هر حال حمایت کشور آلمان از انتشار منابع فارسی زبان با روابط سیاسی و فرهنگی ایران و آلمان رابطه مستقیمی دارد و امری اغماض‌نشدنی است. رفیع و عباس‌زاده (۱۳۹۷) در پژوهش خود نگاهی به روابط ایران و آلمان در دوره پهلوی دارند و پس از خلاصه‌ای از روابط این دو کشور در دوره‌های قبلی، به روابط آنها در دوره رضاشاه پرداخته‌اند. آنها به این نکته اشاره دارند که گرچه روابط ایران و آلمان در دوره‌های قبلی وجود داشت، از دوره پهلوی اول در نتیجه اتخاذ سیاست گرایش به قدرت سوم و اجرای برنامه نوسازی از سوی رضاشاه، روابط گسترده‌ای در زمینه‌های

۱۶۰

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. برای مطالعه بیشتر نک به: فرید مرادی، تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی، از برآمدن تا انقلاب، تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۴.
۲. تاریخ سخن‌سرایی ایران، چاپ وین، در ۱۸۱۸ م.
۳. دیوان حافظ، چاپ توپینگن، در ۱۸۱۲ م. (همین چاپ در اختیار گوته قرار داشته است).

مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی میان دو کشور برقرار شد. این روابط در سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۰ در زمینه‌های مختلف گسترده‌تر بود که پاره‌ای پژوهش ما و آثار منتشر شده در آلمان به همین بازه زمانی برمی‌گردد.

لایپزیگ

اولین کتاب‌های چاپی عربی و فارسی آلمان که امروزه در برخی کتابخانه‌های ایران موجود است، در شهر لایپزیگ آلمان نشر شده است. به عبارتی اولین شهر آلمان در چاپ کتاب فارسی و عربی، شهر لایپزیگ است که چاپ کتاب در نیمه دوم قرن هجدهم در این شهر آغاز شد. ترجمه و متن سه جلدی «دیوان حافظ» به کوشش فی دزویک شوانر آلمانی چاپ سال ۱۷۵۴-۱۷۵۶م،^۱ نه تنها نخستین کتاب چاپی فارسی در آلمان که یکی از نخستین آثار فارسی در جهان بود؛ همچنین کتاب «شبستان نکات و گلستان لغات» سال ۱۷۶۷م یکی دیگر از این مجموعه‌های کهن است. بعد از لایپزیگ، در بُن بین سال‌های ۱۸۸۵ و ۱۸۶۴م. فرهنگ دو جلدی فارسی و لاتین منتشر شد و افزون بر آن در قرن بیستم در شهرهای دیگر آلمان نیز کتاب فارسی چاپ شده است (مرادی، ۱۳۹۴، ص ۷۲۵-۷۲۶). معمولاً کتاب‌های چاپ لایپزیگ بدون نام ناشر است و بازه زمانی چاپ آنها به نیمه دوم قرن ۱۸ و قرن ۱۹ میلادی برمی‌گردد. سه عنوان از این آثار در کتابخانه آیت‌الله بروجردی موجود است که توسط فریدریش دیتریسی (۱۸۲۱-۱۹۰۳م) مستشرق آلمانی تصحیح و چاپ شده است. او آثار تألیفی و ترجمه‌ای ماندگاری در زمینه ادبیات عرب و فلسفه اسلامی برجای گذاشته است؛ گزیده‌ای از رسائل اخوان الصفا با عنوان «خلاصة الوفاء فی اختصار رسائل اخوان الصفا»، کتاب «تداعی الحيوانات علی الانسان» و «تصحیح اثولوجیا ارسطاطاليس» از دیگر آثار اوست که در لایپزیگ منتشر شده است. گرچه در گذشته برخی مجلات و نشریات ایرانی دیگر نیز در آلمان منتشر می‌شدند که به حفظ فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی اهتمام داشتند، نشر کتاب در آلمان برای ایرانی‌ها با تداعی نام دو مؤسسه نشر ایرانی در این کشور یعنی «کاوایی» و «ایران‌شهر» همراه است.

مطبعه کاویانی

هنگام جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م)، گروهی از ایرانیان به آلمان مهاجرت کردند و شکل‌گیری کمیته ملیون ایرانی در برلین زاییده جمعی از همین گروه و در همان بازه زمانی است. درحقیقت کمیته ایرانی برلین برآمده از سیاست‌های آلمان در جنگ جهانی اول و انعکاس دهنده دیدگاه‌های طیف وسیعی از ایرانیان بود که آلمانی‌ها را ناجی خود می‌دانستند. اعضای این کمیته غالباً از ایرانیان فرهیخته بودند (نوذری گرمه‌خانی، تنهاتن ناصری، ۱۳۹۱). درواقع حلقه برلینی‌ها گروهی از روشنفکران ایرانی مقیم برلین بودند که می‌توان از تأثیرگذارترین گروه‌های روشنفکری تاریخ معاصر ایران دانست. تفکر وحدت ملی، در اندیشه روشنفکران این حلقه بود که به تأثیر از اندیشه‌های آریایی‌گری در آلمان ایجاد شد. حلقه برلین در جایگاه مهم‌ترین حلقه روشنفکری ایران در دوره جنگ جهانی اول، با طرح کردن مفهوم «ایرانیت» و «روح ملی ایرانی» نقش مهمی در جریان روشنفکری پس از خود ایفا کرد (رضایی و مختاری، ۱۳۹۴). این اندیشمندان بر اساس شرایط جامعه و پایین بودن سطح دانش عمومی، تعلیم و تربیت عمومی و ارتقای آگاهی را یکی از مهم‌ترین اصل از اصول ترقی به رسمیت شناختند و به نظام آموزشی توجه ویژه‌ای نشان دادند. این تفکر به‌ویژه در دوره پهلوی اول، منجر به استقرار یک دولت ملی مقتدر شد که می‌کوشید به‌طور مهندسی شده جامعه ایران را متمدن کند. کمیته ملیون خواستار حفظ تمامیت ارضی ایران از سوی آلمان، اتریش و عثمانی بود؛ همچنین تقاضای کمک مالی و تسهیلاتی داشت. درواقع هدف نهایی کمیته این بود که با متحد کردن ایرانیان و با پشتیبانی آلمان، ایران را از چیرگی روسیه و انگلیس رها کند (اتحادیه، ۱۳۸۲). چاپخانه کاویانی یکی از دستاوردهای فرهنگی همین کمیته در برلین بود. رواج افکار جدید و تلاش برای ترویج توسعه و براساس معیارهای جهان متجدد را از جمله زمینه‌های اصلی فعالیتهای کاویانی می‌توان به‌شمار آورد (محب، ۱۳۸۹).

سیدحسن تقی‌زاده ریاست این کمیته را بر عهده داشت که دعوت از ایرانیان سراسر اروپا را در رأس برنامه‌های خود قرار داد و تعداد زیادی را به برلین دعوت کرد. از جمله کسانی که به دعوت تقی‌زاده پاسخ مثبت دادند، این افراد بودند: علامه محمد قزوینی، اسماعیل پورداود، محمود اشرف‌زاده، ابوالحسن خان نواب، محمدعلی جمال‌زاده، سعدالله خان

درویش، نصراله‌خان جهانگیر، حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، حاج اسماعیل امیرخیزی، رضا و محمد تربیت، میرزا اسماعیل یکانی، میرزا اسمعیل نوبری، عزت‌اله هدایت، میرزا رضاخان افشار و چند تن دیگر که در برلین حضور داشتند. به این ترتیب کمیته ملیون ایرانی متشکل از عناصر وطن‌پرست و عموماً تحصیل‌کرده و فرهنگ‌دوست در برلین فراهم شد (نوذری و تنهاتن، ۱۳۹۱). این کمیته با ایجاد محفل‌های علمی و ادبی، پیشگام ترویج شیوه‌های علمی تحقیق در کشور بود. بی‌تردید ظهور کسانی چون محمدعلی جمالزاده در جایگاه پدر داستان‌نویسی کوتاه ایران و دیگر افراد فرهیخته نامبرده، تأثیرهای فرهنگی این کمیته را قابل رؤیت و سودمند می‌کرد. برخورداری از امکانات چاپ و چاپخانه از ابتدا یکی از تقاضاهای اصلی تقی‌زاده بود. ظاهراً به دلیل نگرانی آلمانی‌ها از انتشار مطالب و خبرهایی که برخلاف منافع سیاسی آنها باشد، این خواسته زود تحقق نیافت و بالاخره پس از مدتی چاپخانه‌ای با عنوان «کاویانی» پا به عرصه ظهور گذاشت (افشار، ۱۳۵۶، ص ۵۲). ادوارد براون - شرق‌شناس آلمانی - که با برخی از اعضای کمیته ملیون ارتباط نزدیکی داشت، درباره‌ی کاویانی می‌نویسد: «تأسیس چاپخانه کاویانی در برلین که صاحب و مدیرش عبدالشکور و دیگر ایرانیانی بودند که می‌خواستند نیاز به چاپ کتاب‌های ارزان قیمت، درست و بدون غلط‌های چاپی فارسی را مرتفع کنند، مرحله‌ی بسیار مهم دیگری در تجدید حیات ادبی ایران است؛ در حال حاضر چاپخانه‌ای وجود ندارد که بتواند از این لحاظ با آن برابری کند» (براون، ۱۳۷۵، ص ۴۲۴). در تأیید و تأکید سخن براون مبنی بر ارزانی کتاب در چاپخانه کاویانی، یادداشت پشت جلد کتاب وجه دین است: «نظر باینکه اهم مقصود کاویانی ترویج بازار مطبوعات و خدمت بمعارف ایرانست، قیمت انتشارات خود را تنزل میدهد تا عموم مردم بتوانند از نتایج خدمات کارکنان این چاپخانه استفاده نمایند؛ او سپس سیاهه‌ای از عنوان کتاب‌ها همراه با قیمت اصلی و قیمت ارزان شده ارائه می‌دهد.

کاویانی می‌کوشید متون نفیس و اصیل ایرانی را از گزند فراموشی و نابودی نجات دهد؛ در اعلان خود به نمونه‌ای از این تلاش که در مورد کتاب «موش و گربه» عبید زاکانی است، اشاره می‌کند: «از عدم اعتنای ایرانیان امروزی نزدیک بود به کلی از میان برود، این قصه بسیار شیرین و دلچسب را مطبوعه کاویانی به شکل و قطع بسیار مرغوب با صورت‌های رنگی بسیار قشنگ کار یک نقاش آلمانی به چاپ رسانده و از پنج هزار

نسخه آن تا حال به جز سه چهارصد باقی نمی‌ماند (نمانده) و از کثرت خریدار که این کتاب در ایران پیدا کرده، وکلای کاویانی پانصد نسخه و هزار نسخه از آن یکجا سفارش می‌دهند» (فهرست کاویانی، ص ۱۲)؛ همچنین درباره کتاب «وجه دین» ناصر خسرو که زیر چاپ بود، می‌نویسد: «این کتاب را علامه مستشرق هرمان اته مفقودالاثرا می‌شمارد، اخیراً به واسطه یک نفر از مستشرقین روس در ناحیه شمگان از بخارای کهنه یا یک عده دیگر از کتب اسماعیلیه به دست آمده ... بعد از اطلاع از کیفیت پیدا شدن این کتاب یکی از فضلاء معروف فرنگ که همواره در این قبیل موارد سمت تقدم بر همه داشته و منتی بس بزرگ به عالم علوم و ادبیات مشرقی دارند وجهی از کیسه فتوت خودشان به روسیه فرستادند تا کتاب مذکور را استنساخ کنند، اینک مدتی است عکس کتاب مذکور گرفته شده و شروع به چاپ گردیده و فعلاً ثلثی از آن باقیست که به کلی تمام شود...» (همان، ص ۱۴-۱۵). نیز آثاری نادر یا نخستین بار به زیور چاپ درمی‌آمد؛ برای نمونه کتاب «دستور تار» علینقی خان وزیری که نخستین کتابی است که درباره موسیقی و این فن خاص به زبان فارسی نوشته و منتشر شده است.

تصحیح و تدوین بسیاری از متون فارسی توسط کارکنان خود کاویانی یا با همکاری خاص و نزدیک با محققان و مؤلفان انجام می‌شد. براون پس از توضیح مفصلی که درباره کتاب «رباعیات حکیم عمر خیام» بیان می‌کند، می‌نویسد: «پیدا شدن نسخه‌ای به این قدمت که اغلب در صحت تاریخ آن شبهه دارند ... برحسب تکلیفی که از طرف شرکاء کاویانی شد آن نسخه تحت اختیار کارکنان کاویانی قرار گرفت و از طرف همکار فاضل ما آقای م. غنی‌زاده ... تطبیق و تصحیح شده و مقدمه مفصلی راجع به کیفیت نسخه اصلی و بعضی ملاحظات ادبی ... بدان افزوده و از مدتی در تحت طبع بوده و قریب به اتمام است. این نسخه بهترین و جامع‌ترین نسخ رباعیات خیام است که تا کنون خواه در ایران و خواه در ممالک خارجه به چاپ رسیده است» (همان، ص ۱۷-۱۸).

کیفیت چاپ و نوع کاغذ کاویانی خاص و ظاهراً ویژه خود انتشارات بوده است؛ در اعلان کاویانی در این باره آمده است: «... روی کاغذ بسیار ممتاز و صحت و نفاستی که مخصوص کاویانی است زیور طبع بیاراست» (همان، ص ۵)؛ بنابراین اقبال مخاطبین به آثار کاویانی زیاد بود و آنچه مشهود است، کتاب‌ها هرچند با تیراژ بالا خیلی زود به اتمام می‌رسید. درباره کتاب رهنمای پسران می‌نویسد: «از این کتاب سودمند که متأسفانه

هزار نسخه بیشتر به چاپ نرسیده، مقدار جزئی به ایران نزد بعضی وکلاء کاویانی فرستاده شد...» (همان، ص ۱۰)؛ همچنین اعلانی که درباره کتاب موش و گربه عبید زاکانی می‌نویسد، بیان‌کننده همین اقبال و علاقمندی است.

کاویانی در برگ آخر یا پشت جلد کتاب‌ها معمولاً به تبلیغات آثارش می‌پرداخت و هر بار جامعه خاصی را مخاطب قرار می‌داد و تشویق به مطالعه می‌کرد؛ برای مثال پشت جلد کتاب وجه دین، «برای هر مسلمان» داشتن یک جلد کلام‌الله را واجب می‌داند که نوید چاپ آن را با ظرافت بالا می‌دهد؛ یا «برای خانم‌های ایرانی»، خواندن کتاب دوستداران بشر را سودمند می‌داند که شرح حال بعضی از زنان بزرگ است؛ همچنین «برای هر ایرانی» داشتن یک جلد رباعیات خیام را لازم می‌داند و خبر چاپ رو به اتمام آن را می‌دهد.

کاویانی از لحاظ تجهیزات و امکانات جز برترین چاپخانه‌ها بود و از بهترین شکل حروف و کامل‌ترین سیستم ماشین‌آلاتی موجود در چاپخانه‌های فرنگی استفاده می‌کرد. این چاپخانه آثاری به زبان‌های آسیایی و اروپایی از جمله فارسی، عربی، ترکی، اردو، انگلیسی و منتشر می‌کرد و حروف آنها را از یکی از معروف‌ترین کارخانه‌های حروف‌ریزی آلمان سفارش می‌داد و تهیه می‌کرد؛ همچنین کاربرد رنگ در مینیاتور و عکس از دیگر تخصص‌های آن بود (بنگرید به: مناجات و نصابیح خواجه عبدالله، ص ۷۹).

وکلاهی کاویانی در ایران و دیگر کشورها و شرایط وکالت کاویانی

کاویانی، سیزده نمایندگی فروش و مرکز پخش در ایران و همچنین چهار وکیل یا نماینده در کشورهای هند، ترکیه، انگلستان داشت که بدین شرح است:

وکلاهی کاویانی در ایران	
طهران	کتابخانه کاوه، خیابان ناصریه
طهران	کتابخانه حسینی، خیابان علاءالدوله
تبریز	اداره آقای میرزا محمدعلی تربیت
تبریز	کتابخانه سعدی
مشهد	کتابخانه نصرت

مشهد	مغازه کتابفروشی آقای زوّار
مشهد	کتابخانه ادب
بوشهر	تجارتخانه آقای میرزااحمد کازرونی عضو شرکت بهبهانی
شیراز	کتابخانه آدمیت
محّمّه (خرمشهر کنونی)	آقای محمدکاظم بوشهری
اهواز	آقای محمد مهدی آل مذکور
اصفهان	دواخانه آقای غلامرضا، درب باغ قلندرها
ملایر	آقای میرحسین خان حجازی
وکلاهی کاویانی خارج از ایران	
استانبول	کتابخانه جمعیت، جاده باعلی
بمبی	کتابخانه مظفری
هند و صوبجات	مکتبه جامعه ملیّه اسلامیّه در علیگره
انگلستان	Messes luzac and Co.

شرایط وکالت کاویانی

کاویانی در شهرها و قصبات ایران مثل کرمان، یزد، رشت، ارومیه، سلماس، خوی، مرند و ... به دلیل آشنایی نداشتن، مرکز فروش نداشت و طی اطلاعیه‌ای برای اعطای نمایندگی در این شهرها اعلام آمادگی می‌کند و شرایط و مفاد واگذاری وکالت خود را در پنج ماده به شرح زیر درج می‌کند:

۱. هرکدام از وکلای کاویانی یا کتابفروش‌های دیگر پول نقد فرستاده و کتاب‌ها را مستقیماً از مطبعه خریده و به حساب خودشان بفروشند. برای آنها یک ثلث از قیمت معینه کتاب‌ها تخفیف داده شده و پول پست اضافه می‌شود؛ ولی در صورتی که بخواهند مطبوعات کاویانی را در مقابل حق الزحمه به حساب خود مطبعه بفروشند، بیش از صدی بیست حق الزحمه داده نخواهد شد، و چون شق آخری باعث عدم انتظام دفاتر و ارسال و مرسول بیجا و گاهی هم به واسطه عدم وصول و ایصال وجوهات باز یافته و یا تأخیر آن باعث رنجش

- بین کارگزاران کاویانی و وکلای او می‌شود، لهذا شرکت کاویانی شق اول را ترجیح می‌دهد که هم عملی و هم فایده‌اش برای فروشندگان زیاد بوده و هم بدین واسطه جلو بعضی پیش‌آمدهای نامالایم گرفته می‌شود.
۲. آقایانی که با وجود مراتب فوق بخواهند مطبوعات کاویانی را به حساب خود مطبوعه بفروشند، مجبورند سالی دو مرتبه اول حمل و اول میزان صورت حسابی صاف شده از فروش و موجودی کتاب‌ها نوشته با پولی که نزد ایشان باقی است به کاویانی بفرستند.
۳. ماده فوق نباید عنوان این بشود که وکلا وجوهات باز یافته را پیش خود نگاه داشته و هر شش ماه به شش ماه یک مرتبه بفرستند، بلکه هر اندازه که جمع شد در هر یکی دو هفته باید برات لیبره انگلیسی گرفته و بفرستند و به هیچ وجه پولی در پیش خود نگاه ندارند.
۴. احدی از وکلای کاویانی حق آن ندارد که کتاب‌های کاویانی را دیناری از قیمتی که معین شده و در بعدی پشت جلد هر کتاب مخصوصاً چاپ خواهد شد زیادتر یا کمتر بفروشد.
۵. برات که گرفته می‌شود، باید به عنوان kunst- und Buchdruckerei kaviani گرفته شود و به همه حال بانک شاهنشاهی ایران برای رساندن وجه مرجع است.

مدیران کاویانی

با پایان جنگ جهانی اول، بیشتر اعضای کمیته برلین، آلمان را ترک کردند؛ اما سید حسن تقی‌زاده، جمال‌زاده و قزوینی همچنان در برلین باقی ماندند و با وجود شرایط سخت اقتصادی و سیاسی آلمان پس از جنگ، به فعالیت علمی خود به ویژه در انتشار دوره جدید «کاه» و انتشار کتاب‌هایی در چاپخانه کاویانی ادامه دادند (نوذری و تنهاتن، ۱۳۹۱). اما درباره مدیران کاویانی و مؤسسان آن مباحث مختلف است. محب (۱۳۸۹) تاریخچه‌ای از چاپخانه کاویانی منتشر کرد که تمرکز وی در این پژوهش بیشتر بر تطور نام چاپخانه کاویانی و ارتباط آن با کاه و مدیریت آن چاپخانه بوده است. محب، ریاست چاپخانه کاویانی را یکی از موضوع‌های مبهم می‌داند و تعیین بازه زمانی آن را که تا چه زمان سید حسن تقی‌زاده و تا چه زمان میرزا عبدالشکور بود، تنها با بررسی آثار متعدد منتشر شده در این چاپخانه میسر می‌داند. ادوارد بروان معتقد است میرزا

عبدالشکور - بازرگان ایرانی - از مدیران این مؤسسه از ابتدای تأسیس بوده است (براون، ۱۳۷۵، ص ۴۲۴)؛ در حالی که نام وی به عنوان مدیر از ۱۹۲۴ م (۱۳۰۳ ش) بر صفحه عنوان کتاب‌ها دیده می‌شود (نک به: طهران مخوف، ج ۱). اگرچه پیش از آن عبدالشکور با گروه ملیون و روزنامه «کاه» همکاری داشته است و به نظر می‌رسد این بازرگان ایرانی پس از قطع کمک‌های مالی وزارت خارجه آلمان حمایت از کاپیانی و «کاه» را بر عهده گرفته است (محب، ۱۳۸۹). عبدالشکور افزون بر مدیریت، حمایت مالی شخصی از چاپخانه برای انتشار را داشت و در گزارشی که کاپیانی از آثار منتشره خود توزیع کرده است، به طور مجزا سلسله‌کتبی را معرفی می‌کند که از طرف عبدالشکور و به سرمایه‌ی شخصی او به چاپ رسیده است؛ مانند کتاب‌های رساله تلگراف بی‌سیم و نصاب الصبیان ابونصر فراهی. عناوین تعدادی از آنها به طور مجزا از چاپخانه کاپیانی پشت جلد کتاب دوستداران بشر درج شده است. «آفتاب» از دیگر چاپخانه‌های تحت نظر و مدیریت عبدالشکور در برلین بوده است (نک به: گل‌های پژمرده، ص ۸۵) که اطلاعات زیادی درباره کتاب‌های منتشر شده آن وجود ندارد، جز دو کتاب دستور عشاق و دفع الاوهام که از این مجموعه است.

مجله رستخیز (رستاخیز)

یکی دیگر از کارهای کمیته ملیون پس از انتشار کتاب‌های مختلف فارسی، تلاش برای انتشار روزنامه‌هایی چون «رستخیز» و «کاه» بود که در کارنامه این گروه جای گرفت. نام صحیح رستاخیز روزنامه «رستخیز» بوده است. «رستخیز» مدافع و مبلغ سیاست آلمان در ایران بود و بی‌شک مخارج آن را دولت آلمان تأمین می‌کرد. سردبیری «رستخیز» را ابراهیم پورداود از اعضای اصلی کمیته ملیون برعهده داشت. منصوره اتحادیه که شماره‌هایی از این مجله را در دست داشت، گزارش کاملی از آن بیان می‌کند: «در مجموع ۲۵ شماره رستخیز منتشر شد؛ ولی تعدادی که تاکنون به دست ما رسیده، ۱۶ شماره است. شماره‌هایی از آن در بغداد و شماره‌هایی در کرمانشاه منتشر شده است. مدیرمسئول روزنامه در بغداد عبدالامیر نامیده شده که احتمال می‌رود نام مستعار پورداود بوده است. در اواسط **ذی‌قعدة ۱۳۳۳** اداره روزنامه از بغداد به کرمانشاه منتقل گردید و از آن پس پورداود سردبیر و صاحب امتیاز و مدیر روزنامه قلمداد شد؛ ولی در پایان هر شماره از «محمدتقی» نامی به عنوان مدیر مسئول یاد می‌شد» (اتحادیه، ۱۳۸۲).

پورداود پیش از آن روزنامه‌ای با نام «ایران‌شهر» را در پاریس همراه با محمد قزوینی و اشرف زاده منتشر کرده بود که بعدها امتیاز و نام آن را به کاظم زاده واگذار کرد.

شماره اول «رستخیز» هدف روزنامه را آگاه کردن ایرانیان اعلام کرده بود: «رستخیز به معنای قیامت است و در آن روز مردگان دوباره جان و روان گرفته و هر کس موافق رفتار و کردار خود اجر و پاداش یا عقوبت و مکافات می‌یابد. امروز که جنگ و بیکاری چنان مدهش و مهیب است که صفحات تاریخ مانندش را نشان نمی‌هد مغرب تا مشرق دنیای قدیم را در زیر سپر شهپر شوم خود کشیده، می‌توان روز رستخیز نامید؛ همچنین بیان کرد به هیچ فرقه‌ای گرایش ندارد و تأکید کرد ایرانیان باید بدانند اگر امروز برنخیزند، تا فردای قیامت هم برنخواهد خواست (رستخیز، رمضان ۱۳۳۳). از نظر نویسندگان، «رستخیز» مانند بسیاری از روشنفکران آن زمان این جنگ فرصتی فراهم آورده بود که باید از آن به سود استقلال ایران استفاده کنند. یکی از دلایل انتقال این روزنامه از بغداد به کرمانشاه، شاید مسئله سانسور آن از سوی ترک‌ها بوده است. پورداود در پوراوندخت‌نامه می‌نویسد چون حاضر نبود از اتحاد اسلام که برنامه ترک‌ها بود جانبداری کند، دیگر اجازه انتشار «رستخیز» را به او ندادند (مصطفوی، ۱۳۷۲، ص ۹۵).

لحن «رستخیز» درباره آلمان ستایش‌گرانه بود و با تحسین از پیروزی‌های آن به‌ویژه در جبهه شرق می‌نوشت و همه را از پرتو علم و دانش مردم آن می‌دانست. زبان آن بسیار ساده بود، به تاریخ ایران باستان و عظمت امپراطوری هخامنشیان و ساسانیان توجه داشت تا از آن راه حس ملی‌گرایی را در مردم برانگیزاند. تمام مطالب «رستخیز» از امیدواری حکایت دارد و اگر هم پورداود تردیدی درباره آینده حرکت ملیون داشته است، نه تنها آن را در مقالات خود منعکس نکرده است، بلکه در همه جا اظهار خوش‌بینی کرده است.

هیئت کمیته ملیون ایرانی در بغداد منحل شد و اولریخ گرکه که اسناد کمیته را مطالعه کرده است، به اختلاف‌هایی بین اعضای کمیته اشاره می‌کند. بعضی از اعضا نیز از اعمال سانسور مقامات ترک شکایت داشتند و شماره آخر «رستخیز» توسط ترک‌ها سانسور شد. به هر حال عده‌ای از اعضا از جمله پورداود بغداد را ترک کردند و به همکاری ادامه ندادند (گرکه، ۱۳۷۷، ص ۲۵۴). انتشار «رستخیز» پایان روزنامه‌نگاری پورداود بود (اتحادیه، ۱۳۸۲).

روزنامه کاوه

نشریه مهم‌تر و معروف‌تر که توسط کمیته ملیون منتشر می‌شد و در راستای اهداف خود به هواداری از سیاست آلمان هم می‌پرداخت، نشریه «کاوه» بود که تقی‌زاده یک سال بعد از «رستخیز» با حمایت دولت آلمان در برلین از اول ربیع‌الاول ۱۳۳۴ قمری به چاپ رساند. سردبیر «کاوه» از گروهی شرق‌شناسان دعوت کرد تا ضمن ارائه نظر درباره مقاله‌های این نشریه، در باب آینده ایران هم مطالبی بنگارند و برایش بفرستند. در این راستا دست‌نوشته‌هایی از تئودور نولدکه - ایران‌شناس بزرگ آلمان در آغاز قرن بیستم -، یوزف مارکوارت - ایران‌شناس و شرق‌شناس آلمانی - و برخی دیگر رسید (فیروزآبادی، ۱۳۹۰). «کاوه» روزنامه‌ای سیاسی و علمی به زبان ساده بود که آخرین شماره آن در غره شعبان ۱۳۴۰ چاپ شد و در آن با تأکید یادآور می‌شود: «به احیای ادبیات ایران همت گماشته است» (محب، ۱۳۸۹). «کاوه» در شماره‌های ۵ تا ۹ خود هدف چاپخانه را «خدمت به تسهیل نشر علم و معرفت در ایران» اعلام می‌کند و می‌نویسد: «... صورت تابناک اهورامزدا را با بال‌های طلایی درخشان علامت اداری خود قرار داده ...» و تمایل خود را به گرفتن سفارش اعلام می‌کند (همان). در این میان نشر روزنامه «کاوه» تلاش برای دراختیارداشتن چاپخانه کاویانی مرکز ثقل این فعالیت‌ها به حساب می‌آمد که لیستی از انتشارات آن که ظاهراً مشترک بین «کاویانی» و «کاوه» بوده و با عنوان سلسله انتشارات اداره کاوه آمده است، پشت جلد کتاب جنایت روس و انگلیس نسبت به ایران می‌توان مشاهده کرد (بنگرید به تصاویر).

۱۷۰

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

انتشارات ایران‌شهر

«ایران‌شهر» نام مجله و پس از آن انتشاراتی است که حسین کاظم‌زاده آن را منتشر می‌کرد که بعدها خود لقب «ایران‌شهر» گرفت. او نام مجله را از نشریه‌ای گرفت که پیش‌تر در پاریس توسط پورداد و محمد قزوینی منتشر می‌شد و انتشار آن متوقف شده بود. دوره چاپ این نشریه را بین سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۶ شمسی در برلین دانسته‌اند که در حدود چهل شهر ایران پخش می‌شد. روزنامه «نوبهار» که ملک‌الشعرای بهار ناشرش بود، خبر انتشار «ایران‌شهر» را که در جمادی‌الاول ۱۳۳۲ (فروردین ۱۲۹۳) آغاز شد، داده است. همچنین در سال ۱۳۰۶ پشت جلد کتاب راه‌نو گزارشی از فعالیت‌های چهارساله خود

بیان می‌دارد. این مجله به دو زبان فرانسه و فارسی ماهی یک‌بار منتشر می‌شد (نوبهار، شعبان ۱۳۳۲). «ایران‌شهر» از پرنفوذترین مجلات و انتشارات دوره خود بود و افرادی چون محمد قزوینی، عباس اقبال آشتیانی، مشفق کاظمی، صادق صادق‌زاده شفق، رشید یاسمی، ابراهیم پورداوود و دیگران با آن همکاری داشتند. کاظم‌زاده بعدها ذیل همین عنوان به چاپ آثار متعدد فارسی در برلین پرداخت.

«ایران‌شهر» اهداف انتشار مجله خود را چنین بیان می‌کند: «مجله ایران‌شهر سعی خواهد بود زمینه‌ای را که روح ایران جوان و آزاد در آن پرورش باید بیابد تهیه نماید. او کوشش خواهد نمود که یک محیط پاک و آزاد برای نشوونمای قوای معنوی نژاد تازه ایران به وجود بیاورد. مجله ایران‌شهر اسرار ترقی ملت‌های اروپا را ایضاً و احتیاجات حقیقی ایران را به تمدن اروپایی شرح خواهد داد. مجله ایران‌شهر تا حد مقدور بیشتر از شرح و بسط دادن معایب و نواقص اجتماعی با ارشادات و پیشنهادهای علمی قدم‌های ایران جوان و آزاد را در راه اصلاح آن معایب هدایت خواهد کرد. مجله ایران‌شهر با تمام وسایل علمی به کندن ریشه فساد اخلاق از زمین نسل جدید ایران جوان و آزاد خواهد کوشید و آینه افکار و احساسات ایران جوان و آزاد و پشتیبان عناصر پاک و قوای متفکر آن خواهد بود. مجله ایران‌شهر وسیله جلوه‌گری تجلیات روح ایرانی در ساحت علم و ادب خواهد بود و تظاهرات آن را در انظار عالم غرب معرفی خواهد نمود» (مرادی، ۱۳۹۴، ص ۷۲۷).

همچنین گوشه‌ای از اهداف خود در انتشارات را در پشت یکی از کتاب‌های منتشرشده این‌گونه بیان می‌کند: «اداره ایران‌شهر مصمم شده است که یک دوره رساله‌های مفید و مهم در موضوعهای مختلف تاریخی، اجتماعی، فنی و ادبی انتشار بدهد و از آنجاکه ایران‌شهر در تمام مساعی خود فواید معنوی و نوعی را به منافع مادی و شخصی مقدم می‌دارد و آملی جز خدمت به معارف ایران و تهیه وسایل تربیت و تعلیم نسل جدید آن نمی‌پرورد، در اقدام بدین انتشارات نیز غرضی جز خدمت بعالم فضل و هنر تعقیب نخواهد کرد. این انتشارات عبارت خواهد بود از رساله‌های کوچک که عدد صفحات هر یک از آنها کمتر از ۱۶ و بیشتر از ۶۴ صفحه نخواهد بود، مگر آثاری که بسیار مهم باشد، در آن صورت آنها را در دو یا چند رساله نشر خواهیم کرد. این انتشارات به ارزان‌ترین قیمتی که ممکن است فروخته خواهد شد تا هر یک از افراد ایرانی بتواند آنها را بخرد».

کاظم‌زاده سه هدف کلی از انتشار این مجموعه کتاب‌های کوچک را برمی‌شمارد و می‌نویسد: «در نشر این کتابچه‌ها سه نکته مهم و سه جنبه اساسی را رعایت خواهیم کرد؛ یکی شرح و تنقید واقفانه و بی‌طرفانه احوال اجتماعی امروزی ایران [است] تا افراد ملت به وضع ناگوار زندگی امروزی به خوبی آگاه شده و درصدد اصلاح و تغییر آن برآیند. دویم نشر اطلاعات تاریخی درباره تمدن قدیم ایران و آثار نیاکان ما و مقایسه ادوار باشکوه گذشته ایران با اوضاع کنونی آن تا ملت ایران بداند که کی بوده، نیاکان او چه‌ها کرده‌اند و چه تکالیف بر عده او فرض می‌باشد؛ زیرا ملتی که گذشته خود را نداند، آینده خود را تأمین نمی‌تواند. و سیم نشر معلومات مفید درباره ترقیات گوناگون فنی و علمی ممالک اروپا و مملکت‌های مهم شرقی در قرن‌های اخیر [بوده] تا مایه عبرت و تشویق و اسباب تجدد و ترقی بشود».

کاظم‌زاده آن‌طور که بیان می‌کند، مانند تقی‌زاده از اتکای مالی زیادی برخوردار نیست و برای انتشار آثار خود به‌ویژه مجموعه رساله‌های کوچکی که قصد انتشار آنها را دارد، از مؤلفان و صاحبان قلم و همچنین افراد خیر در امور فرهنگی درخواست مساعدت می‌کند و از حاج‌رضا جورابچی تبریزی - یکی از تجار ایرانی مقیم استانبول - یاد می‌کند (مقدمه قابوس وشمگیرزادی، ص ۲۸). او ضمن آنکه لیستی از عناوین کتابچه‌های مدنظر برای چاپ را منتشر می‌کند، درباره حمایت‌های مالی در اطلاعیه خود چنین درج کرده است: «از همه این انتشارات باید یک روح تجدد و آزادی‌بخش طلوع بکند و آن روح، روح ملیت ایرانی خواهد بود. حالا برای انجام‌دادن این نیت پاک و صمیمی از همت ادبا و فضلا و معارف پروان ایران طلب یاری کرده و تقاضا می‌کنیم: ۱. هر یک از ادبا و فضلا که اثری خواه ترجمه و خواه تألیف باشد، در هر یک از موضوع‌های فوق حاضر دارد با کمال اطمینان برای ما بفرستند تا به تدریج در جزو سلسله این انتشارات با عکس مؤلف چاپ شود. ۲. هر یک از معارف پروان که می‌خواهد یک خدمت حقیقی و جاودانی به معارف ایران بکند، نصف مخارج چاپ یکی از این کتابچه‌ها را به عهده همت خود بگیرد تا به نام او چاپ و توزیع شود؛ مثل اینکه از طرف او وقف شده است. ما برای نصف مخارج هر یک از این کتابچه‌ها که نسبت به اهمیت موضوع و گرانی و ارزانی مخارج طبع، یک تا پنج هزار نسخه چاپ خواهد شد، پانزده لیره انگلیسی برآورد کرده‌ایم که هر یک از ارباب همت این مبلغ را بفرستند یکی از این کتابچه‌ها را به نام و با عکس او چاپ خواهیم کرد. نصف دیگر مخارج را خود اداره ایرانشهر بر عهده خواهد گرفت».

نشر «ایران‌شهر» از سال ۱۳۰۶ به بعد طی گزارشی که از فعالیت خود می‌دهد، شیوه فروش آثارش را تغییر داده است که نشان از آن دارد که اوضاع مالی خوبی نداشته است و در این باره می‌نویسد: «اداره ایران‌شهر در ظرف چهار سال، بیست نسخه انتشارات و چهار دوره مجله و یک دوره کارت‌های ایران باستان^۱ انتشار داده که به شرایط ذیل فروخته می‌شود: ۱. برای ایران تخفیف کلی داده شده، ولی چون تا کنون به جهت نسیه دادن بسیار متضرر و مجبور به تعطیل مجله شده‌ایم، از امروز بدون استثناء سفارش‌های بی‌وجه را بی‌جواب خواهیم گذاشت؛ ۲. کتابفروشان حق دارند صدی ۲۰ به قیمت‌ها بیفزایند؛ ۳. اسکناس ایران هم قبول داریم و چند نفر می‌توانند یک جا سفارش و وجه بفرستند» (راه نو، ص ۳۵). پس از این سال روی بیشتر کتاب‌های ایران‌شهر عبارت «سفارش‌های بی‌وجه بی‌جواب خواهد ماند» درج شده است.

اشتراک و وکلای ایران‌شهر در ایران و دیگر کشورها

«ایران‌شهر» یکی از اهداف مهم خود را در قالب تبلیغ و ترویج اشتراک مجله بیان می‌کند: «اگر آرزو می‌کنید که ایران آباد گردد و مردم آن روی آسایش و خوشبختی ببینند! اگر آرزو می‌کنید که ایرانی در هر جا سربلند و محترم شود و قوه هوش و ذکاوت خود را به کار برده لیاقت و استعداد ذاتی خود را نشان دهد و از حقوق آزادی و استقلال برخوردار گردد، و بسلك ملت‌های زنده و متمدن درآید، به انتشار و ترویج مجله ایران‌شهر معاونت کنید...» (ایوان مداین، ص ۶۵) و در شماره‌های مختلف مجله یا پشت کتاب‌ها درخواست حمایت از خیرین فرهنگی می‌کند و انتشار توصیه‌های افرادی که در چاپ حمایت کرده‌اند را بر خود ملزم می‌داند که نام برخی از حامیان چاپ در جدول موجودی آورده‌ایم. برای اشتراک مجله خود و چاپ و توزیع آن چهار قید ذکر می‌کند:

۱. وجه اشتراک در مجله در همه جا بدون استثناء یک لیره انگلیسی است، وجه اشتراک باید به وسیله یک برات بانک شاهنشاهی به نام آقای ح. کاظم‌زاده ایران‌شهر فرستاده شود.

۱. کارت‌های ایران باستان که توسط ایران‌شهر منتشر می‌شد، شامل تصاویر آثار عتیقه ایران و یادگارهای نیاکان است که دوره بیست عددی آن چهار قران قیمت داشته است.

۲. از معلمان و شاگردان مدارس ذکور و اناث عموماً به شرط فرستادن وجه اشتراک قبلاً و مستقیماً توسط بانک بجای یک لیره ۴۰ قران گرفته می‌شود.
۳. وکلا مسؤل وجه اشتراک بوده به محض وصول وجه آئونه باید آن را توسط بانک شاهنشاهی برات لندن گرفته بفرستند.
۴. به هر یک از وکلا که اقلاده آئونه پیدا کنند علاوه بر مجله یک نسخه از انتشارات ایرانشهر هم مجاناً داده می‌شود.

وکلاي ايرانشهر در ايران	
آذربایجان (تبریز)	دکتر زین‌العابدین خان
آشتیان	میرزا عباس خان صالحی
ارومی	میرزا محمد خان مدیر مطبعه تمدن
اصفهان	میرزا نصرالله خان ایزدی مدیر دواخانه
بروجرد	میرزا محمد خان شهیدی
بنادر (بندر لنگه)	میرزا علیرضا خان عباس زاده
بوشهر	میرزا احمد کازرونی عضو شرکت بهبهانی
بیرجند	شیخ محمد حسن ملک زاده
رشت	میرزا عباس زرکش کاشانی
خمین	میرزا جواد خان باشب عضو پست
شستر (شوستر)	سید احمد تبریزی رئیس عدلیه
شیراز	میرزا محمود ادیب مصطفوی و سید جواد خراز موسوی
طهران	کتابخانه گنج بخش و کتابخانه کاوه
قزوین	میرزا محمد باقر شاهرودی
کاشان	سید اسدالله سعادت لاجوردی
کرمان	مدیر تجارتخانه سروشیان
مشهد	میرزا محمد علی حسین زاده و کتابخانه نصرت
ملایر	میر حسین خان حجازی

همدان	میرزا حسن خان آزر می
یزد	ارباب مهربان جمشید جوانمرد خرمشاهی پارسی
وکلاهی ایران شهر در دیگر کشورها	
استانبول	رضا جورابچی و عبود افندی خان و حسینقلی آقا
کراچی	پروفیسور شیرازی
مصر	میرزا سهام انصاری در قاهره
هند و افغانستان	میرزا عبدالحسین طبسی در تجارتخانه بهمن

مطبعه شرقی

عبدالرحمن سیف آزاد، نام روزنامه‌نگار و ناشر ایرانی است که روزنامه «ایران باستان» او از معروف‌ترین روزنامه‌های ایران بود. او چون در اواخر جنگ جهانی اول موجب نجات جان عده‌ای از افسران عالی‌رتبه و یک پزشک عالی‌مقام و چند سرباز آلمانی، اتریشی و مجارستانی شده بود، طی مراسمی در استانبول «نشان درجه صلیب اکلمن»، سپس «نشان شجاعت با نوار سیاه و سفید» و «نشان لیاقت» گرفت و رسماً از او دعوت شد که به آلمان سفر کند. وی در برلین چاپخانه‌ای به نام «مطبعه شرقی» تأسیس و مجله‌ای به نام «صنایع آلمان و شرق» به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی منتشر کرد. همچنین طی دوازده سال اقامت در آلمان روزنامه و مجله‌های «آزادی شرق»، «ایران نو»، «راهنمای بانوان» و «صنایع ایران و آلمان» را منتشر کرد که چندزبانه بودند. نشریه «آزادی شرق» در رمضان ۱۳۳۹/ می ۱۹۲۱/ اردیبهشت ۱۳۰۰ در برلین بنیاد نهاده شد و در سال ۱۳۴۳ق. تا شماره ۳۲ در همین شهر منتشر شد و از آن پس در تهران ماهی یک بار و به ندرت دو بار در ماه چاپ می‌شد. پس از مدتی تعطیل و بار دیگر انتشار آن در برلین از سرگرفته شد (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «آزادی شرق»). پس از بازگشت به تهران در بهمن ۱۳۱۱ روزنامه «ایران باستان» را منتشر کرد که به سبب نوآوری‌اش در کار مطبوعات با استقبال بی‌سابقه‌ای روبرو شد. در ۱۳۱۶ به هندوستان رفت و در آنجا به تأسیس چاپخانه و چاپ اقدام کرد. با شروع جنگ جهانی دوم و حمله آلمان به لهستان، مأموران امنیتی انگلیس بنا به عللی او را گرفتند و تا پایان جنگ در بند نگه داشتند. در ۱۳۲۶ به ایران بازگشت؛ اما انتشار مجدد روزنامه «ایران باستان» و حتی چاپ چند کتاب دیگر با

استقبال چندانی روبرو نشد. از دیگر کارهای ادبی اوست: چاپ دیوان فروغی بسطامی، تاریخچه فرقه اسماعیلیه. یکی از خدمات ادبی سیف در برلین، چاپ دیوان عارف در ۱۳۰۳ شمسی با همکاری صادق رضازاده شفق که مجموعه اشعار عارف را جمع‌آوری کرده بود و شفق در مقدمه آن می‌نویسد: «جناب آقای سیف آزاد مؤسس و مدیر محترم روزنامه آزادی شرق و مجله صنایع آلمان و شرق منطبقه برلین، طبع و نشر دیوان عارف را داوطلبانه قبول نموده و با وجود مشکلاتی که گریبانگیر هر نویسنده و ناشر ایرانی است، مصارف طبع و نشر آن را متحمل شده و بعد از مقدار هفتصد جلد نیز از کتاب مزبور را به عارف واگذار می‌نمایند. این اقدام معارف خواهانه ایشان را شایسته بسی تمجید دیده و بنام عارف و دوستان او از همت و اقدام آقای معظم له تشکر می‌نمایم».

کتاب‌های فارسی چاپ شده در آلمان مطابق با موجودی کتابخانه آیت‌الله العظمی بروجردی (قم)

در این قسمت سیاهه‌ای از عناوین موجود در کتابخانه آیت‌الله بروجردی ارائه می‌گردد. برای اطلاع از دیگر آثار منتشر شده توسط چاپخانه‌های کاویانی و ایرانشهر، رجوع به فهرست انتشارات «کاویانی» و همچنین کتاب‌هایی که در ستون سوم این جدول با یادداشت «همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر» معرفی شده‌اند، مفید خواهد بود.

مشخصات نشر (سال شمسی)	عنوان و پدیدآور	ملاحظات
لایپزیگ، ۱۲۶۰	تداعی الحيوانات علی الانسان / فریدریش دیتریسی	
لایپزیگ، ۱۲۶۰	اثولوجیا ارسطاطاليس و هو القول علی الربوبية / تصحیح و مقابله فریدریش دیتریسی	
لایپزیگ، ۱۲۶۵	خلاصه اخوان الوفاء فی اختصار رسائل اخوان الصفا / تصحیح فریدریش دیتریسی	
لایپزیگ، ۱۳۰۱	الاثار الباقیه عن القرون الخالیه / ابوریحان بیرونی، ویرایش زاخاو ادوارد	
لایپزیگ، ۱۳۱۱	تفسیر کتاب اعمال رسولان / ویلیام میبلر، ترجمه احمد نخستین	

عنوان و پدیدآور	مشخصات نشر (سال شمسی)	ملاحظات
گنج شایگان/ سید محمد علی جمال زاده	کاویانی و کاوه، ۱۲۹۶	
جنايات روس و انگليس نسبت به ايران/ ژرژ براندس	کاویانی و کاوه، ۱۲۹۷	همراه با اعلان تبلیغاتی کاویانی و کاوه
مختصر تاریخ مجلس ملی ایران	کاویانی و کاوه، ۱۲۹۷	همراه با اعلان تبلیغاتی کاوه
یکی بود و یکی نبود/ محمد علی جمالزاده	کاویانی و کاوه، ۱۳۰۱	چاپ با حمایت حسینقلی خان نواب وزیر مختار دولت ایران در آلمان
هزارویک سخن در امثال و نصایح و حکم/ امیرقلی امین	کاویانی و آفتاب، ۱۲۹۹	
کشف تلبیس یا دورویی و نیرنگ انگلیس	کاوه، ؟	
فضائع الدول الاستعماریه فی الشرق	مطبعه مشرقی، ۱۳۰۰	از سلسله نشریات آزادی شرق
دیوان میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی	مطبعه مشرقی، ۱۳۰۳	
رستم و سهراب/ کاظم زاده ایرانشهر	ایرانشهر، ۱۳۰۱	چاپ با حمایت پاول باشویتز جنرال قونسول دولت ایران در برلین
جیحک علیشاه یا اوضاع دربار ایران/ ذبیح الله بهروز	ایرانشهر، ۱۳۰۲	به همراه گزارش چهارساله و لیست وکلای ناشر
راه نو در تعلیم و تربیت (جلد ۲)/ کاظم زاده ایرانشهر	ایرانشهر، ۱۳۰۲	چاپ با حمایت صلاح الدین شیرازی
تجلیات روح ایرانی در ادوار تاریخی/ کاظم زاده ایرانشهر	ایرانشهر، ۱۳۰۲	
قابوس وشمگیر زیاری/ عباس خان اقبال آشتیانی (اصلاح)	ایرانشهر، ۱۳۰۲	چاپ با حمایت رضا جورابچی تبریزی

ملاحظات	مشخصات نشر (سال شمسی)	عنوان و پدیدآور
چاپ با حمایت ادوارد براون	ایرانشهر، ۱۳۰۳	سلسله النسب صفویه / حسین پیرزاده زاهدی
همراه با اعلان تبلیغاتی و وکلائی ناشر	ایرانشهر، ۱۳۰۳	ایوان مداین و شرح حال حسین خان دانش
چاپ با حمایت میرزا احمد کازرونی مقیم بوشهر؛ همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر و وکلائی آن در سایر کشورها	ایرانشهر، ۱۳۰۳	معارف در عثمانی / کاظم زاده ایرانشهر
چاپ با حمایت مؤلف	ایرانشهر، ۱۳۰۳	هفتادودو ملت / آقاخان کرمانی
	ایرانشهر، ۱۳۰۳	ابراهام لینکلن / محمد
	ایرانشهر، ۱۳۰۴	ترجمه رساله محشر و دوزخ / میرزامحمد آخوندوف
چاپ با حمایت میرزا علی اکبرخان عطائی؛ همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر	ایرانشهر، ۱۳۰۴	شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی
چاپ با حمایت میرزا علی محمد کاشانی مقیم کلکته؛ همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر و اسامی حامیان هر یک از آنها	ایرانشهر، ۱۳۰۴	شرح حال و آثار جمال‌الدین اسدآبادی / لطف‌الله اسدآبادی
	ایرانشهر، ۱۳۰۴	مقالات جمالیه / لطف‌الله اسدآبادی
	ایرانشهر، ۱۳۰۵	چهار مقاله / عروضی سمرقندی؛ به اهتمام محمد قزوینی
	ایرانشهر، ۱۳۰۶	هان ای دل عبرت بین / شیرازی

عنوان و پدیدآور	مشخصات نشر (سال شمسی)	ملاحظات
دانستنی‌های زنان جوان/ انجل دریک؛ ترجمه ذبیح‌الله قربان آباده	ایران‌شهر، ۱۳۰۶	همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر و چند حرف در مورد محتویات آنها
شرح حال کلنل محمدتقی خان پسیان/ بقلم جمعی از هواداران وی	ایران‌شهر، ۱۳۰۶	چاپ با حمایت یکی از هواداران آن مرحوم؛ به همراه گزارشی از فعالیتهای چهارساله و اعلان تبلیغاتی ناشر
فواید گیاهخواری / صادق هدایت	ایران‌شهر، ۱۳۰۶	چاپ با حمایت میرزا محمودخان شیبانی محاسب الممالک؛ همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر
راه نو در تعلیم و تربیت (جلد ۳)/ کاظم زاده ایران‌شهر	ایران‌شهر، ۱۳۰۶	به همراه شرایط فروش ایران‌شهر و گزارشی از فعالیت‌های چهارساله
شرح حال عبدالله بن المقفع فارسی/ اقبال آشتیانی	ایران‌شهر، ۱۳۰۶	چاپ با حمایت میرمحمدحسین خان حسابی؛ همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر
هان ای دل عبرت بین/ میرزا جعفر شیرازی مقیم نیس	ایران‌شهر، ۱۳۰۶	چاپ با حمایت مؤلف
رهبر نژاد نو در جستجوی خوشبختی/ حسین کاظم زاده ایران‌شهر	ایران‌شهر، ۱۳۰۷	همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر، و اطلاع از عملکرد چهارساله مجله
زین الاخبار/ عبدالحی گردیزی؛ تصحیح محمدناظم	ایران‌شهر، ۱۳۰۷	
تاریخ اردشیر بابکان/ محمدجواد نیریزی	کاویانی، ۱۳۰۰	چاپ با حمایت سیدجواد ایرانی تبریزی
سه قطعه تئاتر/ ملکم خان ناظم الدوله	کاویانی، ۱۳۰۰	

عنوان و پدیدآور	مشخصات نشر (سال شمسی)	ملاحظات
تاریخ سنی ملوک الارض / حمزه بن الحسن الاصفهانی	کاوینی، ۱۳۰۰	همراه با اعلان تبلیغاتی ناشر
رهنمای پسران / سیلوانس استال	کاوینی، ۱۳۰۱	
شرح حال و اشعار میرزا صادق ادیب‌الممالک فراهانی / خان‌ملک حسینی ساسانی	کاوینی، ۱۳۰۱	
وجه دین / ناصر خسرو	کاوینی، ۱۳۰۱	همراه اعلان و اخطار کاویانی برای فروش کتاب‌های انتشارات
آگاهی‌نامه از جمع‌آوری اشعار دانشمند دوران میرزاصادق قائم‌مقامی / ساسانی	کاوینی، ۱۳۰۱	
هیئت منظوم / اردکانی شیرازی	کاوینی، ۱۳۰۲	چاپ با حمایت محمدحسین نمازی
مناجات و نصایح خواجه عبدالله انصاری	کاوینی، ۱۳۰۲	همراه با معرفی امکانات کاویانی
نصاب الصبیان / فراهی	کاوینی، ۱۳۰۲	
طهران مخوف یا یادگار یک شب (دو جلدی) / مرتضی مشفق کاظمی	کاوینی، ۱۳۰۲-۱۳۰۳	
تذکره شاه طهماسب	کاوینی، ۱۳۰۳	
رباعیات حکیم عمر خیام / با مقدمه فریدرخ روزن	کاوینی، ۱۳۰۴	
گل‌های پژمرده / آصف الوزاره	کاوینی، ۱۳۰۵	
دستور تار / کنل علیقلی خان وزیری	کاوینی	
زاد المسافرین / ناصر خسرو؛ تصحیح محمد بذل الرحمن	کاوینی	
تعلیمات موسیقی / علینقی وزیری	کاوینی	
دوستانان بشر / محمد	کاوینی	همراه اعلان تبلیغاتی کاویانی و عبدالشکور

عنوان و پدیدآور	مشخصات نشر (سال شمسی)	ملاحظات
فهرست انتشارات کاویانی	کاویانی	
وادمکوم بایر (راهنمای دارویی و درمانی)	لورکوزن (آلمان)	
تصاویر جنگ عمومی (مجموعه دوجلدی از تصاویر جنگ جهانی دوم همراه با توضیحات مربوط به آنها)	برلین	
نامه المپیا: هدیه محصلین ایرانی در اروپا به جوانان ورزشگر ایران	برلین ۱۹۳۶	
راپرت درباره حالت کنونی اطلال شهر پارسه (پرسپلیس) معروف به تخت جمشید و پیشنهادهایی برای حفظ آن/ به قلم ارنست هرتسفلد، ترجمه مجتبی مینوی طهرانی	برلین، ۱۳۰۶	
امشاسپندان/ ابراهیم پورداوود؛ ترجمه دینشاه ایرانی	برلین، ۱۳۰۹	
سبیل راحة الارواح و دلیل السرور و الافراح/ طبرانی؛ تصحیح شتروطمان	برلین، ۱۳۲۱	
مبارزه فدراسیون سندیکای جهانی در راه بهبود وضع اقتصادی اجتماعی زحمتکشان	برلین، ۱۳۳۰	
دفع الاوهام فی الهیة و الاسلام/ نبی بخش هندی	مطبعه آفتاب، ۱۳۰۳	
دستور عشاق/ فتاحی نیشابوری	مطبعه آفتاب ۱۳۰۵	
فردوس الحکمة فی الطب/ علی بن سهل طبری	مطبعه آفتاب، ۱۳۰۷	فقط ۲۰ صفحه انتهای کتاب موجود است.

منابع

- آراسته، منوچهر و مهدی صادقی حصار (۱۳۹۲)؛ «کتاب چاپ سربی فارسی چاپ شده در مطبعه بریل لیدن هلند در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی»؛ نشریه الکترونیکی سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، دوره ۵، ش ۱۹-۲۰.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره (۱۳۸۲)؛ «رستخیز، روزنامه‌ای ناشناخته»؛ مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، سال چهارم، ش ۴.
- افشار، ایرج (۱۳۵۶)؛ نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده (یادگارهای دوستی و همکاری دو دانشمند تراز اول)؛ تهران: جاویدان.
- براون، ادوارد (۱۳۳۵)؛ تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت؛ ترجمه محمد عباسی؛ تهران: معرفت.
- براون، ادوارد (۱۳۷۵)؛ تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر؛ ترجمه بهرام مقدادی؛ تهران: مروارید.
- رضایی، فاطمه و محمدتقی مختاری (۱۳۹۴)؛ «تأثیر حلقه برلن بر روشنفکران ملی‌گرای عصر رضاشاه»؛ تاریخ ایران، دوره ۸، ش ۱۸.
- «رستخیز (روزنامه)»، شماره اول، ۲۶ رمضان ۱۳۳۳.
- رفیع، حسین و مجید عباس‌زاده مرزبالی (۱۳۹۷)؛ «بررسی روابط ایران و آلمان در عصر پهلوی»؛ فصلنامه مطالعات سیاسی، سال یازدهم، ش ۴۲.
- شاردن، ژان (۱۳۳۶)؛ سیاحتنامه شاردن؛ ترجمه محمد عباسی؛ تهران: امیرکبیر.
- فیروزآبادی، سعید (۱۳۹۰)؛ «ایرانشناسی در کشورهای آلمانی‌زبان (۳)»؛ بخارا، خرداد و تیر، ش ۸۱.
- گرکه، اولریخ (۱۳۷۷)؛ پیش به سوی شرق: ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول؛ ترجمه پرویز صدری؛ تهران: کتاب سیامک.
- مرادی، فرید (۱۳۹۴)؛ تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی از برآمدن تا انقلاب؛ تهران: خانه کتاب.
- مصطفوی، علی اصغر (۱۳۷۲)؛ زمان و زندگی استاد پورداد؛ تهران: علی اصغر مصطفوی.
- «نوبهار (مجله)»، صاحب‌امتیاز ملک الشعراء بهار، س ۲، ش ۵۴، ۶ شعبان ۱۳۳۲.
- نوذری گرمه‌خانی، محمدباقر و ایرج تنهاتن ناصری (۱۳۹۱)؛ «دلایل و بسترهای شکل‌گیری کمیته ملیون ایرانی برلین در جنگ جهانی اول»؛ فصلنامه مطالعات سیاسی، سال پنجم، زمستان، ش ۱۸.



